

بسم الله الرحمن الرحيم

مسلمانان با استعانت بر الله سبحانه وتعالی؛ نقشه غرب برای تغییر اسلام (محو اسلام سیاسی) را با اعلام خلافت ثانی

بر منهج نبوت، نقش بر آب خواهند نمود

(ترجمه)

پس از فروپاشی دولت خلافت، غرب همواره تلاش می‌نماید تا اسلام را به‌عنوان نظام زندگی، محو نموده و آن را به دین کهنوتی مثل یهودیت و مسیحیت تبدیل نماید به همین دلیل، تمدن، ارزش‌ها و مفاهیم خود را برای مسلمانان تحمیل می‌کند؛ اما با این همه تلاش‌هایش، بازهم ناکام مانده است و حالآنکه مسلمانان توسط برپائی خلافت بر منهج نبوت، مشتاق بازگشت اسلام در عرصه زندگی اند.

همچنان غرب جنگ جدیدی را که به نام "جنگ با تروریسم" شناخته می‌شود، علیه مسلمانان راه‌اندازی نموده و اسلام را به‌عنوان یک دین نشانه‌گرفت و جنگ دینی را به راه انداخت، چنانچه رهبران جنگ‌اش، این جنگ را جنگ صلیبی نامیدند و توسط این جنگ، امریکا عراق و افغانستان را اشغال کرد و به بهانه مبارزه با تروریسم، مسلمانان را در تمام مناطق هدف قرار داده و در غرب و شرق بالای مسلمانان فشار آورد؛ ولی با این همه نتایج این جنگ به منافع غرب تمام نشد؛ چون این جنگ باعث شد تا مسلمانان بیدار شده و از غرب متنفر گردند؛ زیرا آن‌ها درک کردند که دشمن واقعی‌شان کافر استعمارگر است، به محور دین خویش گرد آمده، فهم و تمسک خویش را به دین اسلام ازدیاد بخشیدند و بر این که اسلام مجدداً در زندگی‌شان تطبیق گردد، آگاهانه رغبت نشان دادند.

غرب از این موضوع به شدت خشم‌گین شده و متوجه ناکام شدن طرح‌اش گردیده است؛ مگر تکبر و عناداش باعث طرح جدید آن گردیده که بر دو موضوع استوار است:

1. جنگ مادبی را که متمایل به پیش‌برد آنست، می‌خواهد آن را جنگ با تروریسم بنامد. این جنگ شامل موارد ذیل می‌گردد:

الف) جنگ نظامی و بستن پیمان‌ها: برای جلوگیری از بازگشت مجدد اسلام در عرصه زندگی "خلافت بر منهج نبوت" و انجام دادن هر آن‌چه که این امر، اقتضاء کند.

ب) توسط حکام خائن: از میان برداشتن کسانی که تلاش می‌کنند تا اسلام مجد و عزت خود را باز یافته و دوباره بر روی زمین حکم برانند.

2. جنگ فکری را که هدف‌اش تغییر اسلام و محو نمودن رویکرد سیاسی اسلام است تا اسلام تبدیل به دین کهنوتی شده که فقط به عبادات و اخلاقیات پرداخته حکومت و سیاست را ترک گوید.

همچنین غرب تلاش می کند تا دیدگاه سکولاریزم را توسعه داده و باور جدائی دین از زندگی، دموکراسی و آزادی‌ها را به‌عنوان بدیل اسلام، خلافت، اخلاق و ارزش‌های که اسلام آن را با احکام خود پایه‌گذاری نموده است، به تعریف بگیرد. آن چه که غرب در جنگ فکری خود نشانه گرفته و تلاش می کند تا آن را تغییر داده و یا از لابلائی مفاهیم اسلامی آن را محو کند، سه چیز است:

الف) این مفهوم که حاکمیت تنها از جانب الله سبحانه و تعالی است، به این معنی که اسلام باید در تمام امور زندگی توسط برپائی خلافت حاکم گردد.

ب) مفهوم دوست گرفتن و پیروی؛ یعنی این که تنها باید الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم و مؤمنان را دوست گرفت و از کفر و کافران بیزاری جست.

ج) جهاد در راه الله سبحانه و تعالی.

غرب برای تطبیق این طرح‌اش مجموعه‌ای از فراخوانی‌ها و رویکردها را به خدمت گرفته تا اهداف‌اش را محقق سازد که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

تجدید نظر در مورد پیام دین

اصطلاح "تجدید دینی" که به کثرت در بین سرزمین‌های اسلامی استفاده می‌گردد، قصداً به شکل مبهم و نامعین استفاده می‌شود تا اهداف فکری و سیاسی غرب را تأمین نماید، این اصطلاحی است که از گذشته طرح شده بود؛ ولی در این اواخر به شکل گسترده‌تری بالای آن تمرکز شده است. اساساً اصطلاح "تجدید" با اسلام در تضاد نیست؛ چون به معنی احیای نصوص شرعی است تا این نصوص شرعی دوباره پُر رونق شده بدان عمل گردد و بدعت‌ها، افکار و مفاهیم غربی از اسلام جدا ساخته شود. رویدادهای جاری و مشکلاتی که در عصر ما ایجاد شده اند، می‌توان با اسلام به آن‌ها راه‌حل داد. بنابراین تجدید ضرورتی است که امت همواره بدان نیازمند است؛ چنان‌چه از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا»

(به روایت ابو داود و غیر وی که حاکم نیز آن را صحیح دانسته است)

ترجمه: *الله سبحانه و تعالی در هر صد سال، برای این امت کسی را می‌فرستد تا دین‌اش را تجدید کند.*

اما فراخوان تجدید که حکام مسلمانان خواهان آن اند، البته در پس آن غرب و مراکز پژوهشی، تحقیقاتی، کتب، خبرنگاران سرزمین‌های اسلامی، مووسسات دینی مثل الازهر، گروه‌ها و جریان‌های اسلامی نیز صدای آن را سر می‌دهند. غرب نام آن را "نوگرایی (غرب‌گرایی و جهانی شدن)" نهاده است. در واقع این همه به معنی تغییر آن عده از مفاهیم اسلامی است که مخالف منافع غرب بوده و غرب از آن احساس خطر می‌کند؛ می‌خواهد آن را به مفاهیمی تبدیل کند که مورد قبول وی بوده و با او سری سازگاری داشته باشد، هر چند که غرب استعمارگر بوده، منابع مسلمانان را به تاراج کشیده و سرزمین و مردم مسلمان را به افساد بکشانند.

در این مبحثی مهم که "شیخ محمد بن شاکر شریف" مراحل تحریف دین را در عصر حاضر که به نام "تجدید گرائی و اصلاح" جریان دارد، به پنج بخش تقسیم نموده است:

اول: ابتدای این طرح همراه بشارت‌های قرن سیزدهم هجری شروع می‌شود. زمانی که تقابل مستقیم اسلام با فرهنگ غرب به وضوح نمایان شد؛ غرب به "تقریب ادیان" فراخواند و جهاد را فقط به "دفاع از وطن" تعبیر نمود، هم‌چنان جهاد را برای نشر و پخش اسلام رد نمود و برخی از امور غیبی را از دیدگاه علم تجربی به بحث گرفت تا در نتیجه، حقیقت آن انکار گردد؛ این مرحله را "مدرسه اصلاح" نام نهاد و شخصیت بارز آن شیخ "محمد عبده" بود.

دوم: غرب گرائی از ربع اول قرن چهاردهم هجری آغاز شد؛ چنانچه غرب گرائی جریان فکری است که غرب، نصرانیت را در تمام عرصه‌ها به‌عنوان الگو می‌گیرد. این جریان را در بخش اجتماعی "قاسم امین" که پرچم‌دار آزادی زن بود، به پیش می‌برد. در بخش سیاسی شیخ "علی عبدالرازق" و در بخش فرهنگی "دکتور طه حسین" ممثل این دیدگاه‌ها بودند.

سوم: عصرگرائی که در میانه قرن چهاردهم هجری سربرآورد، فراخوان این دوره این بود که باید قرائت جدیدی از نصوص شرعی صورت گرفته و بر اساس دست‌آوردهای عصر علمی و فکری تفسیر شود، به این هدف که نصوص دینی قداست خود را از دست بدهد. روشی که ایشان در توجیه این گفتاری تحریفی خود از آن بهره می‌گرفتند، این ادعا شد که ارزش در معانی و مفهوم است نه در شکل و قالب. ایشان در واقع به مبارزه با پوشش بدن زن و حفظ عفت‌اش و نیز بازگشت به نظام سیاسی اسلام برخاسته بودند.

چهارم: جهانی شدن؛ پس از فروپاشی ساز و برگ نظام شرق در اخیر دهه هشتاد قرن بیستم، امریکا به تنهایی رهبری جهان را در دست گرفته و اصطلاح "جهانی شدن" را مروج ساخت تا تمام ملت‌ها را در نظام فکری، فرهنگی و اخلاقی خود ذوب کند. در سایه بوق و کرنای "جهانی شدن" با تمام توان به تجدید(تحریف) آموزه‌های دینی فراخوانده شد؛ به این هدف که برای هیچ ملتی هویت ذاتی، استقلال فکری، تمدن و فرهنگی باقی نماند؛ اما خطرناک‌ترین ابزاری که در تحریف آموزه‌های دینی در سایه جهانی شدن از آن بهره می‌برند، تغییر دادن روش‌های تدریس و کشاندن آن به طرف سکولاریزم، تحریف تاریخ و در نهایت حذف بعضی از آیات و مواضع از مقررات مراکز آموزشی می‌باشد که این تغییر با مشارکت برخی از امریکایی‌ها صورت می‌گیرد، علاوه بر آن بالای مدارس و مراکز آموزشی دینی، فشار آورده و از ابزار قروض، بورس‌های تحصیلی، تشویق و تهدید استفاده می‌کنند. بر اساس مفهوم جهانی شدن، آنچه که از برنامه‌های آموزشی انتظار می‌رود، این است که از آن برای مفهوم "صلح جهانی" استفاده شود و این که اسلام به‌عنوان دینی متفاوت از سایر ادیان تحریف شده، بروز نکند.

هم‌چنان از رسانه‌ها و خطبه‌های جمعه نیز بهره می‌گیرند؛ چون مورد اخیر از تمام رسانه‌های گروهی، کاربردی قوی‌تر داشته و نوعیت خطبه‌ها را تعیین می‌کنند و سیاست خشکاندن منابع(منابع دینی مردم) را به پیش می‌برند. دین را از زندگی جدا نموده و تنها بر ارزش‌های عبادت، اخلاق، برخورد نیکو و علوم دنیوی تاکید دارند. خطباء را از تاختن به کفر، یهودیت و نصرانیت و ظاهر نمودن تحریفاتی که بر کتاب‌های آسمانی نمودند، باز می‌دارند. هم‌چنان دوره‌های آموزشی زیادی برای خطباء به‌منظور آشنا نمودن شان با مطالبات تجدید(تحریف) آموزه‌های دینی در جریان می‌باشد که یک بخش این دوره‌ها، در امریکا برگزار می‌گردد. بر علاوه

غرب می‌خواهد مردم را غرق در تولیدات فنی کند به این هدف که غرق رذایل شده و از اخلاق محو گردد و از طرفی هم اوضاع بد معیشتی و تاخیر سن ازدواج، این طرح را کمک می‌کند.

پنجم: تحمیل تجدید(تحریف) به اجبار: در این مرحلهٔ اخیر، امریکا و هم‌پیمانان صلیبی اش، حمایت‌های سخاوت‌مندانهٔ خویش را به هم‌کاران خائن مسلمان خود فراهم نموده و از جرایمی که دولت‌های هم‌کارشان در حق مردم خویش روا می‌دارند، چشم‌پوشی می‌کنند. صلیبی‌ها برای تحمیل تغییر به ابزار "اجبار" روی آوردند که گاهی با تهدید و گاهی هم عملاً به زور متوسل می‌شوند تا از رشد نسل جدیدی که متمسک به فهم دین از گذشته‌گان صالح‌شان اند، جلوگیری کنند و هدف اصلی این است تا اسلام ویژه‌گی ثبات احکام شرعی را از دست داده و متأثر از نوگرایی و سکولاریزم گردد تا به این ترتیب، عدم بازگشت اسلام به رهبری جهان تضمین شده و نهادها و موسسات "تبشیری" بتوانند در سرزمین‌های اسلامی فعالیت نمایند.»

بنابر این، تجدید(غرب‌گرایی و سکولاریزم) تغییر اسلام را نشانه گرفته است تا غرب کافر بتواند اسلام را از زندگی دور کرده و خود بر مسلمانان و ثروت‌های‌شان تسلط داشته باشند و سکولاریزم را در سرزمین‌های اسلامی تحمیل نماید. به همین دلیل همواره اصول و ثوابت اسلام را به منظور متزلزل نمودن هدف قرار می‌دهند، دیدگاه، عقیده، شریعت و ارزش‌ها را وارونه می‌سازند. علاوه بر تشویق نمودن غرب برای گرویدن به کفر، تلاش برای تغییر اسلام از طریق دعوت به اصلاح، تعلیق برخی از نصوص شرعی و یا هم لغو کامل آن، هم‌چنان فرا خواندن غرب به تجدید، عملی خبیث بوده که هدف آن فرو گذاشتن افکار و مفاهیم اسلام است؛ چنان‌چه غرب تا دیروز به گمراهی، خبائث و مکاره‌گی برای تغییر اسلام تلاش می‌کرد؛ اما امروز علناً به دشمنی با اسلام برخاسته و می‌خواهد که نصوص قطعی آن را تغییر دهد. از همین رو در سال‌های پسین، دعوت به ترک سنت مطهره و تنها اکتفاء نمودن به قرآن کریم زیاد شده است؛ چنان‌چه که در محفل رسمی در مصر به‌خاطر گرامی‌داشت از روز ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در بیستم نوامبر برگزار شده بود. شیخ الازهر بر کسانی که به فرو گذاشتن سنت نبوی و فقط اکتفاء نمودن به قرآن کریم فرا می‌خوانند تاخت و تأکید داشت که مسلمانان بر بقای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم در کنار قرآن کریم اتفاق نظر دارند؛ زیرا در غیر این صورت سه چهارم دین ضایع خواهد شد.

در همین مناسبت در سخنانی که مخاطب آن "سیسی" بود، تبصره‌ی داشت و بیان نمود: «مشکل موجود در جهان اسلام نه به‌خاطر پیروی ما از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است؛ بلکه به‌خاطر قرائت اشتباه از اصول دین ماست.» هم‌چنان وی از سیسی پرسید که چه کسی بیش‌تر به اسلام ستم روا داشته است یا کسانی که به کنار گذاشتن سنت نبوی و اکتفاء به نصوص قرآن کریم مردم را دعوت می‌کنند و یا هم ستمی که ناشی از فهم اشتباه و افراط‌گونه‌ئی است که آبروی مسلمانان جهان را خدشه دار نموده است؟

و طی این سخنرانی سعد الدین هلالی استاد فقه تطبیقی در دانش‌گاه الازهر مصر در مورد مسئله‌ی کنار گذاشتن سنت نبوی صلی الله علیه وسلم تبصره نمود و چنین اظهاری داشت: «احادیثی که از پیامبر روایت شده است، یکی با دیگر در تضاد قرار دارد.» وی افزود: «مادامی که هرکدام از این احادیث با دیگری در تضاد قرار داشته و هر قرائت از آن در تضاد با قرائت دیگر قرار دارد، بر ماست تا از بین‌شان آن‌های را برگزینیم که مناسب عصر ماست و به‌خاطر آیندهٔ خویش زندگی نموده و هم‌گام با عصر خویش

به پیش برویم تا این که از اروپا، جاپان و چین عقب نمانیم، آن‌هایی که دانستند که چگونه به راحتی کشورهای خویش را بدون این که با دین تجارت کنند، مدیریت کردند.»

از طرفی دیگر، بحث "اصلاح اسلام" که به معنی تغییر و تحریف اسلام در ضمن استراتژی جدید امریکا در سال‌های اخیر مطرح شد. چنان‌چه روزنامه "قدس عربی" به نقل از سایت "the intercept" یاد داشت محرمانه‌ای را از وزارت خارجه امریکا کشف نموده که بر اساس آن، این وزارت ترامپ را توصیه نموده تا سیاست "اصلاح اسلام" را در پیش گیرد، در این یاد داشت آمده است: «هدف در برابر ایران و داعش منحل کردن این دو و افراط‌گرایی اسلامی است و باید وسایل دیپلوماتیک را یافت که ریشه حمایت از ایران فعلی و داعش را بخشکاند و نیاز است تا به شکل گسترده‌ی به اصلاح اسلام تمرکز گردد.»

این گزارش به این اشاره می‌کند که گروه "استراتژیست‌های" وزارت خارجه این گزارش را در تابستان سال ۲۰۱۷ م که شورای امنیت ملی استراتژی دولت ترامپ را برای امنیت ملی تعیین می‌نمود، تحویل دادند؛ چنان‌چه در آن به "رقابت ایدئولوژی" تمرکز شده بود. از اینرو، وزیر خارجه وقت که "ریکس تیلرسون" خود را از سیاست خصمانه ترامپ علیه اسلام کنار کشید و ترامپ به جای آن "مایک پومپئو" وزیر خارجه فعلی را در ماه آپریل برگزید؛ شخصی که سوابق واضحی در کینه‌توزی با اسلام دارد تا جایی که چگونه سیاستی که قرار بود وی همراه اسلام در پیش گیرد، خیلی‌ها را نگران کرده بود. هم‌چنان یکی از مسئولین وزارت خارجه، صحت این یادداشت را تأیید نموده و آن را یکی از یادداشت‌های دانست که برای تشکیل استراتژی امنیت ملی استفاده شده است.

این گزارش این را نیز آشکار ساخت که در سال ۱۹۴۷ م گروه استراتژیست سیاسی در داخل وزارت که مرکزی پژوهشی در داخل وزات خارجه محسوب می‌شد، ایجاد گردید که مسئول آن در زمانی ترتیب این یاد داشت که یکی از سیاستمداران مطرح کابینه بوش و بریانی هوگ بود. هم‌چنان این گزارش به این اشاره دارد که: «هوگ و گروه وی با در نظر داشت رویکردهای جهانی بر روی دیدگاه استراتژی دراز مدت کار می‌کردند.» این دو نویسنده وقتی این یادداشت را کشف کردند که هوگ برای از بین بردن اسناد محرمانه اقدام کرده بود. به باور این دو نویسنده این بدان معناست که این نهاد سخت مصروف دو ایدئولوژی بوده و موادی را که به نشر می‌رساند تا به حال سابقه نداشته است، هم‌چنان این موضوع بر اساس شهادت‌های مسئولان سابق وزارت خارجه، وزارت دفاع "پنتاگون" شورای امنیت ملی، مشاوران و وکلای مدافع گفته شده است؛ چنان‌چه شاهدان فوق بیان کردند که آنان هرگز اصطلاح اختلافی و تحریک کننده "اصلاح اسلامی" را ندیده‌اند، اصطلاحی که شخصیت مارتین لوتر را فرا می‌خوانده تا در مدرنیته نمودن اسلامی که ریشه در تاریخ دارد، سعی و تلاش نماید. این در حالی‌ست که گمان می‌شود این اسلام در حقیقت خشونت و عقب‌گرایی است که از گذشته‌گان به ارث مانده. (منبع: قدس عربی)

در این گزارش آمده است که یادداشت فوق، جزئیاتی را راجع به چگونه‌گی تحقق آن چه که "اصلاح" گفته شده، ارائه نموده است که شامل نکته‌ی حساس در مورد به کار گیری "تقویت زنان" برای توسعه اهداف امپراتوری امریکا است؛ چنان‌چه در آن آمده است: «دو گروه مهم مورد هدف ماست که زنان و جوانان اند -با در نظر داشت این که احتمالاً تنها این دو نیستند- تمرکز نمودن بالای

تقویت زن با توجه به این که هدف اصلی رساندن پیام به درون جهان برای تأثیر گذاشتن بر اسلام است، برای امریکا این امکان را فراهم خواهد ساخت تا عوامل اخلاقی امریکا و روایت لیبرالی خود را حفظ کند.»

همچنان این گزارش به پیامد نامطلوبی که تعیین کنندگان خط مشی سیاسی امریکا از آن غافل اند اشاره کرده است؛ چنانچه "کود گرین" مشاور پیشین وزارت خارجه می‌گوید: «ترویج اصلاح اسلام، امریکا را به‌مکانی خطرناک تبدیل خواهد نمود.» این موضوع را "قمر الهدی" مشاور سابق گروه امور جهانی و دینی که در دوره اوباما و نیمه اول حکومت ترامپ در وزارت خارجه کار می‌کرد، نیز تأیید نموده است. وی چنین اظهار می‌نماید: «امکان دارد که از فراخوان "اصلاح" برداشت غلط شود و این که این موضوع آجدای تخریب جوامع اسلامی است، بحثی که احساس تنفر از امریکا به‌خاطر کینه‌توزی با اسلام را تقویت می‌بخشد.» از طرفی دیگر، یادداشت فرانسوی منتشر شده که خواهان حذف کردن یک‌تعداد از آیات قرآن کریم - به زعم خود شان آیاتی که خواهان جنگ با یهود و نصارا است - شده اند.

صاحب این دیدگاه "فیلیپ وال" مدیر مسئول پیشین روزنامه "شارلی ابدو" فرانسه است. وی این موضوع را تحت عنوان "علیه کینه‌توزی‌های آشکار نوین" در مورد "افراط‌گرایی اسلامی" در مقاله‌ی که در روزنامه "لوباریزیان" منتشر شد، بیان داشت. وی به بهانه نبرد با خصومت‌های آشکار ایده حذف برخی از آیات قرآن کریم را مطرح نموده است. فال تأکید کرده است که توانسته تأیید ۳۰۰ تن از شخصیت‌های معروف فرانسوی از جمله نیکولاس سرکوزی رئیس جمهور پیشین، ایمانوئل فالس نخست‌وزیر سابق، شارل ازنافور خواننده معروف، نیرنار هنری لیفی ادیب و خبرنگار یهودی فرانسوی و جیرار دیباردیو بازیگر مشهور را نیز، بگیرد. هم‌چنان این یادداشت هم‌زمان با بالا گرفتن برخی از مطالبات اروپائی مبنی بر تنگ کردن عرصه بر اموالی که برای ساخت مساجد و سازمان‌های غیر دولتی واریز می‌گردد، شده است.

حالا آن که آن‌ها اسلام را با مسیحیت قیاس می‌کنند و فکر می‌کنند که می‌توانند اهداف شوم شان را بالای اسلام تطبیق کنند؛ چون قبلاً "واتیکان" برخی از متون کتاب مقدس را که به گفته خودش ناهماهنگ و ناسازگار با عصر فعلی است، حذف نمود. آن‌ها به این باور اند که برای هیچ شخصی با ایمانی ممکن نیست که به متن دینی مقدسی باور داشته باشد؛ زیرا این کار، وی را به ارتکاب جرایم تحریک می‌کند.

همچنان تلاش برای از بین بردن رویکرد اسلام سیاسی یا به تعبیر یکی از منادیان یاوه‌گوئی‌شان، نابود کردن اسلام سیاسی است که به این شکل گروه‌ها و احزابی که برای حاکمیت اسلام و برپائی خلافت تلاش می‌کنند، به حرکاتی مبدل شوند که کار سیاسی را ترک نموده و تنها به بخش عبادی و اخلاقی دعوت کنند؛ چنانچه موسسه "راند" در سال ۲۰۰۷م گزارش طولیلی که متشکل از ۱۰ فصل و ۲۱۷ صفحه بود را تحت نام "ایجاد گروه‌های مسلمان میانه‌رو" به‌نشر رساند. دکتر "باسم خفاجی" مدیر مرکز پژوهش‌های بشری، این گزارش را توضیح می‌داد. در این گزارش آمده است: «در نبرد غرب با اسلام گرایان، غرب باید از موضوع استفاده از تجربه جنگ سرد گذشته بین دو اردوگاه سرمایه‌داری غرب و سوسیالیسم شرق استفاده کند.» هم‌چنان در این گزارش آمده است: «برای پایان دادن به فعالیت جریان‌های اسلامی، می‌بایست که از اقشار فرهنگیان، رجال دین، اهل تصوف و سکولاران کشورهای اسلامی استفاده کرد.» و نیز به مسئولان امریکائی پیشنهاد می‌نماید تا بخش خاص امریکائی برای تطبیق این طرح و دور نمودن گمانه‌های مزدوری مزدوران‌اش استخدام شود و ایجاب نمی‌نماید که نهادهای دولتی این بخش مهم را به پیش ببرند.

این گزارش می‌خواهد تا این درگیری بین جهان مسلمان‌نشین عرب و اجزای دیگری غیر عرب از جهان اسلام تسری یابد و نیز این جنگ بین مسلمانان شعله‌ور گردیده و در رویارویی با رشد جریان‌های اسلام سیاسی باید جریان‌های سکولار لیبرالی هم حمایت گردند. باید تذکر دهیم که فقط در خلال جنگ سرد، غرب و در رأس آن امریکا در مقابله با جریان راست‌میلی به حمایت از جریان اسلامی پرداخت تا قبل از آن در اواخر دهه پنجم قرن ۲۰، غرب تلاش‌های فراوانی را برای استخدام ملی‌گرایان عرب در نبرد با جریان چپ مارکسیستی به‌خرج داد. این گزارش ایجاد گروه‌های میانه‌رو اسلامی را در سه مرحله ممکن می‌داند:

- 1) حمایت از جریان‌های کنونی؛
- 2) تعریف دقیق از جریان‌های که قرار است ایجاد گردد و حمایت از رشد شان؛
- 3) تحکیم ارزش‌های تعددگرائی و مدارا که به رشد جریان‌های مد نظر کمک نماید.

این گزارش ۱۰ سوال را مطرح نموده است که این به مثابه امتحانی است که وسعت میانه‌روی هر گروه اسلامی را می‌سنجد و می‌بیند که این گروه اسلامی است و یا به سکولاریزم و قوانین‌اش، کنار گذاشتن حکم نمودن به اسلام، دوستی و هم‌زیستی با کفار را باور دارد. از نقطه نظر موسسه "راند" تندر و افراط‌گرا شامل افراد ذیل می‌گردد: کسی که خواهان تطبیق شریعت اسلامی، تلاش برای برپائی دولت اسلامی، حامل فکر سلفی، مردود دانستن دموکراسی، لیبرالیزم غربی و نظام‌های حقوق بشری که مد نظر غرب است و کسی که این را حق خود می‌داند تا برای تغییر از وسایل فزیک استفاده کند.

بر اساس این رویکرد، صداهای سکولاران بالا رفته و یاوه‌گوئی‌های‌شان بر اسلام و رویکرد سیاسی اسلام افزایش یافته است و هم‌چنان نوشته‌های‌شان نیز در این مورد افزایش بیشتر شده است. و در مقابل فراخوانی به حمایت از جریان‌های اسلامی که به تصوف، اخلاق و بخش‌های عبادی فرا می‌خوانند نیز زیاد شده است و یک‌تعداد از کشورها، آن‌ها را حمایت می‌کنند؛ مثلاً: کشور امارات از طریق موسسه ابوظبی "طابه" صوفی‌ها را حمایت نمود تا سمیناری را به تاریخ ۲۵ اپریل ۲۰۱۶م در "گروزی" پایتخت چین تحت نام "اهل سنت و جماعت کیست؟"، برای حمایت از صوفی‌های دولتی و تطبیق آجدای امریکائی برگزار کنند و هم‌چنان امارات "شورای حکماء مسلمین" را تأسیس نمود؛ چنانچه در گذشته برخی از نویسندگان و علماء عرب به این موضوع اشاره کردند، از جمله "دکتور عبدالوهاب مسیری" که چنین نگاشته بود: «در این شکی نیست که جهان غرب با اسلام در ستیز است، جریان‌های تصوف را که از طرف حکومت نیز حمایت می‌شوند، تشویق می‌کنند و بیش‌ترین کتاب‌های که اکنون در غرب منتشر می‌شود، از تألیفات محی‌الدین بن عربی و اشعار جلال‌الدین رومی است.» و نیز تألیفاتی که به سمت تصوف فرا می‌خواند، جوایز ادبی دریافت می‌کنند؛ مانند: جایزه بوکر...

با در نظر داشت این حملات ددمنشانه که علیه اسلام، جریان‌های سیاسی - به‌منظور پایان دادن به فعالیت‌های جریان‌های سیاسی - ایجاد مانع برای بازگشت اسلام به حکومت و تطبیق آن صورت می‌گیرد، ما به غرب که در رأس آن امریکا قرار دارد می‌گوئیم: «چه فال بدی دیدید، تیرتان چه بد منحرف شد و مکرتان زود است که دامن‌گیر خودتان گردد؛ اگر توانستید که نور ماه یا خورشید را محو کنید این کار را حتماً انجام دهید؟! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنَ أَنْ نُبَدِّلَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾ [توبه: ۳۲ - ۳۳]

ترجمه: آنان می خواهند نور الله (سبحانه و تعالی) را با (گمان های باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش این نور که اسلام است جلوگیری کنند) ولی الله (سبحانه و تعالی) جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال رساند (و پیوسته با پیروزی این آئین، آن را گسترده تر گرداند) هر چند که کافران دوست نداشته باشند. الله (سبحانه و تعالی) است که پیامبر خود (محمد صلی الله علیه و سلم) را همراه با هدایت و دین راستین (به میان مردم) روانه کرده است تا این آئین (کامل و شامل) را بر همه آئین ها پیروز گرداند (و به منصفه ظهورش رساند) هر چند که مشرکان نپسندند.

چگونه می توانید به این هدف شوم تان برسید؛ در حالی که الله سبحانه و تعالی نور آسمان ها و زمین است و هم چنان برای تان می گوئیم: «اگر از بازگشت خلافت هراسانید و اموالی را که صرف ساخت شبکه های جاسوسی اعم از "برخی عالم نماها و به اصطلاح متفکران" می کنید و نیز در تلاش ضربه به اسلام به انواع مختلف هستید، هرگز مثمر ثمر واقع نخواهد شد و نیز پایان غم انگیزی برای تان خواهد داشت.» الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴾ [انفال: ۳۶ - ۳۷]

ترجمه: کافران اموال خود را خرج می کنند تا (مردمان را) از راه الله (سبحانه و تعالی و ایمان به وی) باز دارند. آنان اموال شان را خرج خواهند کرد؛ اما بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بی گمان کافران همه گی به سوی دوزخ رانده می شوند و در آن گرد آورده می شوند. (این شکست در دنیا و عذاب در آخرت همه به خاطر آن است که) تا الله (سبحانه و تعالی) ناپاک را از پاک جدا سازد و برخی از ناپاکان را بر برخی دیگر بیافزاید و جمله گی ایشان را روی هم انباشته کند و آن گاه به دوزخ شان بیندازد، آنان (در دنیا و آخرت) زیان کار اند.

اما تلاش هایی که برای تضعیف مسلمانان انجام می دهید و نگرانی را که از بازگشت مجدد ابهت مسلمانان دارید، مسلمانان این دل واپسی تان را با تأسیس خلافت راشده ثانی که بر منهج نبوت تأسیس خواهد شد، پایان خواهند داد و کسانی که ستم می کنند، خواهند دانست که بازگشت شان به کجا و سرنوشت شان چگونه است. الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ طَسَمَ تِلْكَ آيَاتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبِيِّنَا مَوْسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾

ترجمه: طسم. این‌ها آیه‌های کتاب روشن و روشن‌گرند، ما راست و درست، بر تو گوشه‌ی از داستان واقعی موسی و فرعون را می‌خوانیم برای (استفاده) کسانی که مؤمن‌اند (ومی‌خواهند در میان انبوه مشکلات، راه خود را به سوی هدف بگشایند). فرعون در سرزمین (مصر، شروع به) استکبار و سلطه‌گری کرد و (در میان) مردمان آن‌جا (تفرقه انداخت و آنان) را به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تبدیل نمود. (هر گروهی و دسته‌ی به‌دفاع از افراد خود و جنگ و دشمنی با سایرین می‌پرداخت، فرعون مخصوصاً مردمان مصر را به دو گروه مشخص قبطیان و سبطیان تقسیم کرد، و) گروهی از ایشان را (که سبطیان یعنی بنی‌اسرائیل بودند در برابر قبطیان) ضعیف و ناتوان می‌کرد. پسران‌شان را سر می‌برید و دختران‌شان را (برای خدمت‌گذاری) زنده نگاه می‌داشت. او مسلماً از زمره تباه‌کاران (و جنایت‌کاران تاریخ) بود. ما می‌خواستیم که به ضعیفان و ناتوانان تفضل نمائیم و ایشان را پیشوایان و وارثان (حکومت و قدرت) سازیم و ایشان را در سرزمین (مصر) مستقر گردانیم و سلطه و حکومت‌شان دهیم و بر دست مستضعفان به فرعون و هامان و لشکریان‌شان چیزی را بنمایانیم که از آن در هراس بودند.

حمد و ستایش تنها از آن الله متعال است.

نویسنده: ابو ابراهیم - قلقلیه

مترجم: اسماعیل نصرت